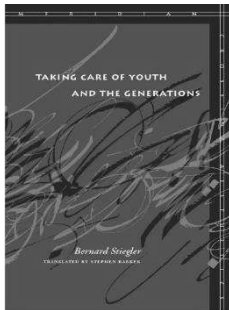


# معرفی کتاب

## معرفی کتاب: مراقبت از جوانان و نسل‌ها<sup>۱</sup>؛ نوشته برنارد استیگلر<sup>۲</sup>

علی وحدتی دانشمند<sup>۳</sup>



### مقدمه

برنارد استیگلر، فیلسوف معاصر فرانسوی است که عمده آثار خود را به فلسفه فناوری و نقد رسانه اختصاص داده است. رویکرد او در آثارش عمدتاً با مضامین هایدگری و پساساختارگرایانه آمیخته است. اما در کلیه نوشته‌های خود و به‌طور خاص اثر حاضر، استفاده گسترده‌ای از طیف متنوعی از افکار و اندیشه‌ها - از افلاطون<sup>۴</sup> و کانت<sup>۵</sup> فیلسوف تا فروید<sup>۶</sup> و وینیکات<sup>۷</sup> روان‌شناس - می‌کند. بنابراین اثر حاضر به لحاظ رگه‌های نظری، بسیار غنی بوده و البته همین امر همراه شدن با این مبانی نظری را برای خواننده دشوار ساخته است.

---

1 Taking Care of Youth and the Generations

2 Bernard Stiegler

۳ استادیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران. alivahdati@ut.ac.ir

4 Plato

5 Kant

6 Freud

7 Winnicott

آنچه که استیگر را از سایر فیلسوفان فناوری معاصر متمایز می‌کند، ضمیمه ساختن یک دل‌مشغولی تربیتی به نقد او از وضعیت زمانه است. همان‌طور که از عنوان این کتاب بر می‌آید، نویسندگان بی‌مقدمه فراخوانی برای مراقبت<sup>۱</sup> از جوانان اعلام می‌کند. اما مراقبت در برابر کدام بحران؟ آیا اساساً ما قادر هستیم تا وضعیتی بحرانی و آشوبناک را برای زمانه‌مان تقریر کنیم؟ در صورت وجود چنین بحرانی، آیا باید منفعلانه به آن تن دهیم یا راهی برای برون‌رفت بیابیم؟ آنچه که این اثر را ممتاز می‌کند، پاسخی است که به این پرسش‌ها داده می‌شود. از نظر استیگر، نخستین و مهم‌ترین گام، ارائه تصویری دقیق و همه‌جانبه از این بحران است. بنابراین نمی‌توان این اثر را به راحتی در مقولاتی رایج همچون فلسفه فناوری، نقد رسانه، تبارشناسی، پدیدارشناسی، واسازی، روانکاوی و مقولاتی از این دست قرار داد؛ این اثر همه اینها است و هیچ یک از این‌ها به تنهایی نیست.

این کتاب نخست در سال ۲۰۰۸ به زبان فرانسه و سپس در سال ۲۰۱۰ با ترجمه انگلیسی در ۲۳۸ صفحه و ۱۱ فصل توسط انتشارات دانشگاه استنفورد در مجموعه‌ای با نام *نصف‌النهار*<sup>۲</sup> منتشر شده است. این مجموعه از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۹ میلادی، ۱۲۵ اثر را از متفکرانی همانند امانوئل لویناس<sup>۳</sup>، پل ریکور<sup>۴</sup>، جورجو آگامبن<sup>۵</sup>، هانس بلومبرگ<sup>۶</sup>، ژاک دریدا<sup>۷</sup>، ارنست بلوخ<sup>۸</sup>، ژان-لوک نانس<sup>۹</sup>، آلن بدیو<sup>۱۰</sup> و موریس بلانشو<sup>۱۱</sup> منتشر کرده است. همگی آنها به یک مشخصه بارز شناخته می‌شوند: همانند یک نصف‌النهار، قطب‌ها را به هم متصل می‌کنند. آنها خطوطی را ترسیم می‌کنند که از تمام گره عبور کرده و هر آنچه که در مسیر آنها قرار می‌گیرد را بر اساس مرزبندی‌های جدید، بازتعریف می‌کنند. استیگر نیز در این کتاب می‌خواهد از دوگانه‌های رایج درباره فناوری همچون ذات‌گرایی/ابزارگرایی، گران‌بار از ارزش / فارغ

---

1 Care

2 Meridian

3 Levinas

4 Ricoeur

5 Agamben

6 Blumenberg

7 Derrida

8 Bloch

9 Nancy

10 Badiou

11 Blanchot

از ارزش، فن‌هراسی/ فن‌دوستی فراتر رفته از و پیوند بنیادین میان انسان و فن، میان دانش نظری و دانش عملی و میان دردزدایی و دردآفرینی فناوری، سخن بگوید.

من در این نوشتار، ممکن و مطلوب نمی‌دانم که به محتوای هر فصل از این کتاب به طور مستقل بپردازم. زیرا چنین کاری نیازمند طرح مقدماتی - بیش از گنجایش متن حاضر - برای اندیشه همه آن کسانی است که استیگر برای نیل به مقصود خود، به سراغ آنها می‌رود. در مقابل، ترجیح می‌دهم تا به برنامه اصلی استیگر که از آثار قبلی او آغاز شده و در این کتاب به بلوغ و کمال خود - خاصه در وجوه تربیتی - می‌رسد، بپردازم. این برنامه را در دو مسیر کلی می‌توان دنبال کرد: نخست ارائه طرحی آسیب‌شناسانه از عصر دیجیتال و دوم، ارائه پیشنهادهایی برای مقابله (برون‌رفت، کاهش، اصلاح) با این وضعیت. در انتها نیز به چند نکته مبهم در این اثر خواهیم رسید که برای خواننده امکان‌هایی را برای تدقیق و تأمل فراهم کند.

#### آسیب‌شناسی بحران انهدام توجه

استیگر در آسیب‌شناسی عصر حاضر، طرحی افلاطونی و کانتی از تربیت را دنبال می‌کند. یعنی پیوند میان پدیداری کهن یعنی تربیت با صورت نهادی آن یعنی مدرسه با هدف تربیت شهروندان مسئول. اما عصر دیجیتال و فناوری‌های حکمرانی/راه دور<sup>۱</sup>، مانعی را بر سر این پروژه بنیادین پدید آورده‌اند: ویرانی توجه<sup>۲</sup>. توجه، بنیاد و حاصل تربیت است؛ بنیادی برای مراقبت بزرگسالان از کودکان و توجه به آنها و دستاوردی برای تربیت مدرسه‌ای یعنی پرورش قوای مراقبت و توجه در کودکان و انتقال این سرمایه میان نسل‌ها. توجه بنیاد مسئولیت است و هرگونه پداگوژی، بر بنیاد آن استوار است. به این ترتیب، اکنون مسئله تربیت، جای خود را به مسئله توجه و مراقبت می‌دهد. اکنون مهم است که از خود بپرسیم چه چیز(ها)یی به این قوه فردی<sup>۳</sup> (روان‌شناختی) و فرافردی<sup>۴</sup> (اجتماعی) ما شکل می‌دهند و آن را مصرف می‌کنند؟

---

1 Telecracy

2 Attention

3 Individual

4 Transindividual

او معتقد است که از «لالایی‌ها، سرودها، افسانه‌ها، داستان‌های شفاهی» تا «بازی‌های ویدئویی، دستگاه‌های پخش موسیقی، شبکه‌های مجازی اجتماعی همانند فیسبوک<sup>۱</sup> و مای-اسپیس<sup>۲</sup>» که او آنها را روان فن<sup>۳</sup> یا روان فناوری<sup>۴</sup> می‌نامد، همگی مصادیقی برای پاسخ به این پرسش هستند. اما آیا این دو دسته با یکدیگر یکسان و هم‌ارز هستند؟ استیگر معتقد است که دسته نخست، برساننده و دسته دوم، مخرب مدارهای بین‌فردی و بین‌نسلی هستند؛ اولی مدارهای اتصالی بلند میان انسان‌ها برقرار کرده و دومی مدارهای موجود را اتصال کوتاه می‌کند. اولی، بزرگسالی (و مسئولیت همراه با آن) را و دومی، ارتجاع بزرگسالی به کودکی (تخریب مسئولیت) را تقویم و تولید می‌کند.

روان فناوری‌ها در گونه دوم و وضعیت منفی خود، از وسایلی برای انتقال صرف اطلاعات به سمت شکل‌دهی فعال به توجه و خواسته‌های افراد، به‌ویژه جوانان، تغییر یافته‌اند. او استدلال می‌کند که این فناوری‌ها به ابزاری برای «جذب توجه» تبدیل شده‌اند که با تشویق به مصرف منفعلانه، مانع از رشد شهروندان اندیشه‌ورز و مسئول می‌شوند. او فناوری‌های رسانه‌ای معاصر را «روان فناوری‌های حماقت<sup>۵</sup>» (استیگر، ۲۰۱۰، ص: ۳۳) نامیده و ادعا می‌کند که مواجهه مستمر با این شکل از رسانه‌ها به‌طور بنیادین ساختارهای شناختی را تغییر داده و باعث ترویج شتاب‌زدگی و درگیری سطحی، به‌جای تقویت عمق فکری و تمرکز پایدار می‌شود. او دوباره به سراغ تعریف بزرگسال/کودک در رساله روشنگری چیست اثر کانت می‌رود: «راستی که کودک بودن چه آسان است! اگر کتابی داشته باشم که جای فهمم را بگیرد و مرشدی که کار وجدانم را انجام دهد و پزشکی که خوراک مناسبی برایم معین کند... و دیگر لازم نیست خود را به زحمت بیندازم. همین که بتوانم پولی بدهم دیگر نیازی به اندیشیدن ندارم» (کانت، ۱۳۷۰، ص: ۵۰).

استیگر برای این مدعای خود، سراغ آمارهایی از گسترش بزهکاری میان نوجوانان فرانسوی و شیوع اختلال نقص توجه میان نوجوانان آمریکایی رفته است؛ اگرچه در جایی هم این بحران

---

1 Facebook

2 MySpace

3 Psychotechnology

4 Psychotechnique

5 Psychotechnologies of stupidity

را دامن‌گیر بزرگسالان نیز می‌داند: «ما نیز درون این نسل قرار می‌گیریم: خوانندگان و نویسنده همین کتاب» (همان، ص: ۱۹). او در جایی از کتاب می‌نویسد:

تصویربرداری فعلی از مغز به ما اجازه می‌دهد تا تحولات حاصل از رسانه‌های امروزی را در شکل‌گیری ارتباطات سیناپسی مشاهده کنیم. این رسانه‌ها فضایی ایجاد می‌کنند که در آن مغز کودکان خردسال که در دنیای دیجیتال و «رسانه‌های غنی» زندگی می‌کنند، به‌گونه‌ای متفاوت از نسل‌های قبلی ساختار یابد. به‌طور خاص، این مغزهای جوان با افزایش مشکل در رسیدن به «توجه عمیق» مواجه هستند (همان، ص: ۱۹).

او معتقد است ما اکنون در یک نبرد به سر می‌بریم؛ «نبردی برای هوشمندی»<sup>۱</sup> (همان، ص: ۸۶). نبردی درست همانند مناقشه میان افلاطون و سوفسطاییان. همان‌طور که سوفسطاییان، زحمت تفکر دیالکتیکی را - با ارائه خدمات در مقابل دریافت پول - از دوش جوانان یونان بر می‌داشتند، صنعت خدمات<sup>۲</sup> کنونی نیز ما را از زحمت انجام کارهای عقلانی دشوار راحت کرده است. اما کانت به ما می‌آموزد که - همانند دوران روشنگری و مربیان بزرگ آن - ما اکنون به مربیان و سیاستمدارانی برای تغییر این «کاهلی»<sup>۳</sup> و بزدلی<sup>۴</sup> نیازمندیم.

استیگر به کرانه‌های سرمایه‌داری دیجیتال و سبک زندگی آمریکایی<sup>۵</sup> می‌اندیشد. کرانه‌هایی که در آنها، سرمایه‌داری دیجیتال بعد از یک دوره صعود، دچار زوال می‌شود. نخستین کرانه، همان قانون بازده نزولی است که مارکس آن را به‌تبع سرمایه، بر روابط اجتماعی حاکم می‌دید؛ از نقطه‌ای به بعد دیگر نمی‌توان به افزایش تولید و مصرف ادامه داد... تولید و روابط انسانی هر دو رو به نزول خواهند رفت. دوم، در مقابل این کاهش در مصرف، سبک زندگی آمریکایی اکنون دست به تولید سوژه‌ای جدید زده است که این بار نه کالای تولیدی کارخانه‌ها را بلکه قوای تمرکز و توجه یا به تعبیر فرویدی، لیبیدو<sup>۶</sup> را مصرف می‌کند. آنچه در این کرانه به انتظار انسان نشسته است، بحران انحلال میل (و توجه و مراقبت) در جوانان و البته والدین آنها

---

1 Battle of/for intelligence

2 Service industry

3 Laziness

4 Cowardice

5 American way of life

6 Libido

است؛ وضعیتی فراگیر از حضور کودکان ناپخته و بزرگسالان کودک. در کرانه سوم، بحران زیست‌محیطی و سلامت است که جان انسان‌ها را تهدید می‌کند. در این کرانه، تولید و مصرف دیگر محدود به کالای فیزیکی و لیبیدوی انسانی نیست؛ هرآنچه که در این کره خاکی و کیهان وجود دارد باید وارد چرخه تولید و مصرف شود (همان، ص: ۴۸).

### راه برون‌رفت از بحران انهدام توجه

اگرچه تلاش استیگلر در اثر حاضر بیشتر معطوف به فهم شرایط زمانه دیجیتال و فناوری‌های مصرف‌گرا در این عصر گشته است، اما می‌توان خطوطی را هر چند مبهم و کلی برای برون‌رفت از این وضعیت در این کتاب مشاهده کرد. به‌طورکلی، استیگلر - به‌تبع خوانش دریدا از افلاطون - فناوری‌های مدرن را فارماکون<sup>۱</sup> می‌نامد (همان، ص: ۶)؛ فناوری دارای دو وجه آسیب‌زا و آسیب‌زدا به‌نحوی هم‌زمان است. یک فناوری خاص، درست در همان زمان که کاری را آسان می‌کند، مشغول دامن‌زدن به یک تهدید و آسیب است. در همین رابطه، استیگلر در جایی از *فارماکولوژی مثبت*<sup>۲</sup> یاد می‌کند. یعنی اگرچه او، خود در بخش زیادی از این کتاب به آسیب‌زایی فناوری می‌پردازد، اما تورم و بحران‌آفرینی آن را نه ذاتی فناوری بلکه حاصل سرمایه‌داری دیجیتال و گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی آمریکایی دانسته و معتقد است اکنون می‌توان با درپیش‌گرفتن برخی استراتژی‌ها به تقویت سویه مثبت فناوری پرداخت.

نخستین مسئولیت متوجه سیاستمداران و سیاست‌گذاران است. آنها باید این نکته ظریف را دریابند که اگر می‌خواهند در حوزه حرفه خود یعنی سیاست توفیقی یابند، چاره‌ای جز سازماندهی و تنظیم‌گری رسانه‌ها و فناوری‌های دیجیتال ندارند. آنها نه به‌خاطر مقابله با گسترش اخبار کذب و شایعات، هرزه‌نگاری، گسترش فرهنگ استعماری یا دلایلی از این دست، بلکه به‌خاطر تخریب قوای توجه، میل و مراقبت در جوانان باید این مسئولیت را بر عهده بگیرند. چراکه اکنون مسئولیت‌پذیری به‌عنوان شرط امکان حیات شهروندی و اساساً شرط امکان هر نوع سیاستی، توسط این فناوری‌ها در معرض تهدید و تخریب قرار گرفته است. استیگلر در پایان کتاب اظهار امیدواری می‌کند که همان‌طور که دولت‌ها محدودیت‌هایی در برابر مصرف سیگار و مواد مخدر تعیین کرده یا میزانی مجاز از استفاده از آلاینده‌ها را در

---

1 Pharmakon

2 Positive pharmacology

ساخت کارخانه‌ها و خودروها مشخص می‌کنند، در برابر صنایع برنامه‌ریزی<sup>۱</sup> نیز که اکنون مشغول حکمرانی بر قوای شناختی جوانان از راه دور هستند، دست به وضع چنین قوانینی بزنند (همان، ص: ۱۹۱).

دوم، اندیشمندان و متفکران یا به تعبیر کانت بزرگسالان هر جامعه، باید به ایفای نقش فرامراقبتی<sup>۲</sup> (همان، ص: ۱۷۷) خود پردازند. دیگر برای بزرگسالان کافی نیست که کودکان خود را به مدرسه بفرستند یا آنها را با عناصر و نهادهای فرهنگی جامعه خود آشنا کنند. بلکه فراتر از این، آنها باید بیشترین تلاش خود را معطوف به مراقبت از روح کودکان خود در برابر فناوری‌های حماقت کنند. این سطح از مراقبت، در وهله اول، خود نیازمند کسب شناخت و آگاهی درباره شرایط دیجیتال عصر حاضر و بنگاه‌هایی است که سود خود را نه از اقتصاد کالا بلکه از اقتصاد توجه<sup>۳</sup> بدست می‌آورند. بنابراین بزرگسالان باید خود فیلسوف زمانه خود باشند.

سوم، با تفکیکی که استیگر میان سه نوع دانش یعنی دانش چگونگی<sup>۴</sup>، دانش چرایی<sup>۵</sup> و دانش چیستی<sup>۶</sup> قائل می‌شود، هرکس که در جامعه نقشی مراقبتی را بر عهده گرفته است (والدین، معلمان مدرسه و اساتید دانشگاه) نباید بهره‌شاکردان خود را از دانش تنها به نوع اول یعنی دانش چگونگی محدود کند. دانش چگونگی همان چیزی است که فناوری‌های دیجیتال آن را دامن می‌زنند؛ یادگیری نحوه استفاده از ماشین حساب ما را از زحمت انجام دستی محاسبات ریاضی؛ و یادگیری نحوه استفاده از فناوری‌های تبدیل گفتار به نوشتار، ما را از زحمت نوشتن دستی یا ماشینی فارغ خواهند کرد. این وظیفه تمامی بزرگسالان است که از دانش چرایی و چیستی و اهمیت آنها نیز در تعاملات خود سخن بگویند و دست‌کم راهبردهایی را در تربیت مدنظر قرار دهند که علاوه بر دانش چگونگی، شاگردان را به پرسش از چرایی‌ها و چیستی‌ها نیز تشویق کنند.

---

1 Programming industries

2 Metacare

3 Attention economy

4 techne/savoir faire/knowing how

5 phronesis/savoir vivre/knowing how-to-live

6 episteme/savoir theorique/knowing what

## نکاتی انتقادی درباره کتاب

مراقبت از جوانان و نسل‌ها اگرچه کتابی عمیق، غنی و شورمندانه است اما همواره به کلی‌گویی درباره معضلاتی که آشکار می‌کند، بسنده می‌کند. آمارها درباره شیوع اختلال تمرکز دقیق نیستند و شواهد و پاسخ‌های روان‌شناسان تربیتی برای این معضل مورد مذاقه قرار نگرفته است. اگرچه کتاب عمیقاً درباره تربیت است اما به جز کانت و فوکو - اولی در مقام مدافع و دومی در مقام منتقد تربیت مدرسه‌ای - هیچ اثری از نظریات تعلیم و تربیت و تربیت مدرسه‌ای به چشم نمی‌خورد. خواننده این اثر به همان میزان که باید خود را حاذق در فلسفه و روان‌شناسی بیابد، همان قدر نیز باید با گلایه‌های دردمندان استیگر از عصر حاضر و تعابیری همچون فناوری‌های حماقت، بزرگسالان کودک و نسلی که به هیچ‌چیز اهمیت نمی‌دهد<sup>۱</sup>، همدلی کند.

استیگر در دفاع از تمدن اروپایی و نقش آن در توسعه «بلوغ»<sup>۲</sup> و «هویت اجتماعی اولیه»<sup>۳</sup>، به شکلی غیرانتقادی از میراث جولز فری<sup>۴</sup> بهره می‌گیرد. این در حالی است که فری نه تنها یک مدافع آموزش عمومی سکولار بود، بلکه یک امپریالیست پرشور بود که معتقد بود فرانسوی‌ها «وظیفه متمدن کردن نژادهای پایین‌تر» (ص. ۲۰۶) را بر عهده دارند. این سیستم آموزشی «جمهوری خواه» که استیگر به آن ارجاع می‌دهد، به‌رغم تأکید بر حقوق جهانی، تنها زمانی این حقوق را به رسمیت می‌شناخت که فرد «فرانسوی» باشد. چنین سیستمی در واقع یک «روان‌فن» و «صنعت برنامه‌ریزی» بود که به انتقال نسلی یک «فراخود»<sup>۵</sup> استعماری می‌پرداخت؛ میراثی که توسط نویسندگان ضد استعماری متعدد مورد نقد قرار گرفته است.

استیگر با اصرار به بازگشت به نهادهای جمهوری سوم فرانسه، خواهان احیای خانواده، مدارس متمرکز بر مطالعه و شکلی از حکومت جمهوری خواه است که پایه‌هایش در یک اروپای متحد مستحکم شده باشد. او تأکید می‌کند که خانواده، مدرسه و نهادهای آموزشی و فرهنگی

---

1 I-don't-give-a-damn-ism

2 maturity

3 social primary identification

۴ ژولز فری (Jules Ferry) سیاستمدار و حقوق‌دان فرانسوی قرن نوزدهم بود که به‌عنوان یکی از چهره‌های برجسته جمهوری سوم فرانسه شناخته می‌شود. او به دلیل اقداماتش در زمینه آموزش عمومی و سکولار، شهرت دارد و نقش مهمی در تصویب قوانینی ایفا کرد که آموزش رایگان، اجباری و غیردینی را در فرانسه الزامی می‌کردند. این اصلاحات آموزشی باعث تقویت نظام آموزشی جمهوری خواهانه و سکولار در فرانسه شد.

5 Superego



باید مسئولیت «شکل‌دهی به توجه» را بر عهده بگیرند و نظام سیاسی نیز آن را پشتیبانی کند. اما استیگلر میان جمهوری خواهی و دموکراسی تفاوت قائل نمی‌شود و بدون تأملی دقیق وارد مسئله نمایندگی سیاسی می‌شود. او «مردم» را به‌عنوان توده‌ای غیرمتمرکز و «نابالغ» ترسیم می‌کند که تحت تأثیر رسانه‌های جمعی، توانایی روشنگری به سبک کانتی و خودحکومتی را از دست داده‌اند. استیگلر به نظر پاسخ به این پرسش را فراموش کرده که چه کسانی حق «مراقبت» از جامعه یا حتی شایستگی لازم برای آن را دارا هستند. تصویر استیگلر از جوانان نیز به‌گونه‌ای است که آن‌ها را از خودمختاری و استقلال فکری محروم می‌داند. او به‌جای تأکید بر آزادی و قدرت تفکر مستقل جوانان، نگرانی‌های خود را نسبت به تغییرات زمانه برجسته می‌کند و در این روند، نقش پررنگ خوداندیشی و استقلال جوانان را نادیده می‌گیرد.

با همه این کاستی‌ها، اثر استیگلر در ارائه تصویری عمیق از چالش‌های تربیتی عصر حاضر بی‌همتا است. اما لازم است که به این نقدها نیز توجه کنیم تا بتوانیم از این اثر ارزشمند به‌نحوی متاملانه بهره بگیریم و مسیرهای نوینی برای تربیت و رشد فکری نسل‌های آینده بیابیم.

#### منابع

کانت، ایمانوئل (۱۳۷۰). روشنگری چیست؟ (در پاسخ یک پرسش). همایون فولادپور (مترجم). کلک، ۲۲، صص: ۴۸-۵۷.

<http://ensani.ir/fa/article/download/258702>

Stiegler, B. (2010). *Taking care of youth and the generations*. Stanford. Stanford University Press.